

Explaining the Islamic Republic of Iran' Soft Power Potentials and Achievements in Latin America

Gholamhossein Yousefi Kupai*

Received: 2018/09/09

Enayatollah Yazdani**

Accepted: 2018/12/04

Ali Omid***

Abstract

Latin America is a region rich in underground valuable resources coveted by the United States for long so much so that they have assumed it as their backyard and endeavored to interfere in its affairs in more than a century. The Islamic Republic of Iran, as a result of the cruel sanctions of the United States as well as its being confronted with their hostile policies, has tried to expand and deepen its spiritual influence in the Latin American region by using soft power and exploiting the existing conflicts between some of the states of this region with the United States. Tehran has been able to expand its strategic depth in this backyard of the US by interacting with this region in political, economic, and cultural areas. The main topic of the present paper is that Latin America because of its special economic, cultural – accommodating a large number of Arabs and Muslims- and political status, can play a crucial role in meeting Iran's objectives like developing political, economic, and cultural influence and diversifying its export destination including its technical and engineering services. In this regard, the main question of the present article is: How can soft power act as an important instrument of the Islamic Republic of Iran to increase its influence in the Latin American region? Indeed, along the policy of diversifying its foreign partners and allies, the Islamic Republic of Iran is seeking to attract other partners in Latin America to increase its political, economic and cultural influence by applying public diplomacy and soft power.

Keywords

Iran; Latin America; Soft Power; Geo-Economics; Geo-Culture; Geo-Politics

* Ph.D. student of Political Sciences at Isfahan University
hmidpartov@gmail.com

** Associate Professor at Isfahan University
eyazdan@ase.ui.ac.ir

*** Associate Professor at Isfahan University
aliomidi@ase.ui.ac.ir

تبیین کاربرد قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین؛ روندها و دستاوردها

غلامحسین یوسفی کوپایی*

عنایت‌الله یزدانی**

علی امیدی***

تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۰۶/۱۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۷/۰۹/۲۳

چکیده

آمریکای لاتین منطقه‌ای سرشار از منابع و ذخایر ارزشمند زیر زمینی است که ایالات متحده از دیرباز به آن نظر داشته و این منطقه را طی بیش از یک قرن، حیاط خلوت خود تلقی و در شئون مختلف آن دخالت کرده است. جمهوری اسلامی ایران به دلیل عدم تقارن قدرت با آمریکا و به منظور مقابله با سیاست‌های خصمانه این کشور، گسترش و تعمیق نفوذ معنوی خود در منطقه آمریکای لاتین، با به‌کاربردن قدرت نرم و بهره‌گیری از تضادهای ماهوی برخی کشورها و ملت‌های منطقه با آمریکا توانسته است عمق استراتژیک خود را در حیاط خلوت آمریکا و مرزهای جغرافیایی این کشور گسترش دهد و به تعامل و تبادل سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با آنها بپردازد و از فشار فزاینده این کشور بر خاورمیانه بکاهد. بحث اصلی مقاله حاضر این است که آمریکای لاتین به لحاظ موقعیت‌های خاص اقتصادی، فرهنگی-جمعیت‌شایان توجه عرب‌تبار و مسلمان- و سیاسی و منابع متعدد و متنوع زیرزمینی و هم‌سویی سیاسی، اقتصادی و فرهنگی که بین دولت‌های چپ حاکم در منطقه با ایران وجود دارد، می‌تواند در رسیدن ایران به اهدافی چون توسعه نفوذ سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و گسترش مقصد صادراتی کالا و خدمات فنی-مهندسی خود، با افزایش به‌کاربردن قدرت نرم ایفای نقش کند. سؤال اصلی مقاله حاضر این است که قدرت نرم به‌عنوان ابزار کاربردی جمهوری اسلامی ایران به منظور افزایش نفوذ در منطقه آمریکای لاتین، در چه حوزه‌هایی قابل تبیین است و چه دستاوردهایی به همراه خواهد داشت؟ جمهوری اسلامی ایران با پیگیری سیاست تنوع‌بخشی به شرکا و هم‌پیمانان خود در حوزه خارجی، به دنبال جلب شرکای دیگر برای افزایش همکاری‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی با تقویت دیپلماسی عمومی به منظور بسترسازی روابط دیپلماتیک نوین، به‌ویژه در آمریکای لاتین است.

واژگان کلیدی

ایران، آمریکای لاتین، قدرت نرم، ژئواکونومیک، ژئوکالچر، ژئوپلیتیک.

* دانشجوی دکتری علوم سیاسی دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

hmidpartov@gmail.com

eyazdan@ase.ui.ac.ir

aliomidi@ase.ui.ac.ir

** دانشیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

*** دانشیار دانشگاه اصفهان، اصفهان، ایران

مقدمه

آمریکای لاتین، یکی از مناطق مهم جغرافیایی دنیاست که در سال‌های اخیر بر حسب توزیع جمعیت انسانی، سنت‌های فرهنگی، نظام‌های اقتصادی و سیاسی و ... اهمیت ژئوپلیتیک مضاعفی در صحنه بین‌المللی یافته است. کشورهای منطقه در عین برخورداری از تنوع در شئون مختلف سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی، به دلیل داشتن پیشینه‌های سیاسی و تاریخی مشترک و متأثر از پاره‌ای از عوامل تعیین‌کننده منطقه‌ای، دارای وجوه اشتراک قابل ملاحظه‌ای هستند. آمریکای لاتین در چند سده اخیر به‌ویژه پس از دوره استقلال، از دکتین مونروئه تا بحران موشکی کوبا، به لحاظ دارا بودن موقعیت خاص ژئوپلیتیک و ژئواکونومیک، همواره در شرایط و ساختارهای مختلف نظام بین‌الملل، موازنه قوا، نظام دوقطبی و نظام تک قطبی مورد توجه قدرت‌های بزرگ جهان قرار گرفته است.

نزدیکی جغرافیایی این منطقه با هسته سرمایه‌داری غرب و هژمون نظام بین‌الملل، یعنی ایالات متحده، منطقه آمریکای لاتین را در طول تاریخ، از اهمیت ژئوپلیتیک ویژه‌ای برخوردار کرده است. بر اساس همین مجاورت جغرافیایی، آمریکا در طول تاریخ، این منطقه را طبق دکتین مونروئه همواره حیاط خلوت خود تلقی کرده و در جلوگیری از نفوذ سایر قدرت‌ها به‌ویژه قدرت‌های اروپایی و روسیه که دارای سابقه استعماری در این منطقه بوده‌اند، اقدام کرده و همچنان برای خود حق حضور و دخالت در این منطقه قایل بوده است. رویدادهای صورت‌گرفته از ابتدای هزاره سوم در آمریکای لاتین و فراز و فرود قدرت چپ‌ها، باعث شد تا دستگاه سیاست خارجی ایران با نگاهی جدید به منطقه آمریکای لاتین بنگرد. روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین از آغاز، روابطی محدود به مبادلات اقتصادی و آن هم در سطحی نه چندان زیاد و با حجم و میزانی نسبتاً محدود بوده است. اگر چه تا پیش از وقوع انقلاب اسلامی در سال ۱۹۷۹، جنبه‌های سیاسی روابط، محدود به کشورهای بود که هم‌سوئی بیشتری با غرب داشتند یا در بلوک غرب

قرار می‌گرفتند؛ اما پس از پیروزی انقلاب اسلامی به خاطر ماهیت سیاسی و ایدئولوژیک انقلاب اسلامی و با عنایت به اتخاذ و اعلام سیاست «نه شرقی، نه غربی»، در تنظیم روابط ایران با دو بلوک قدرت غرب و شرق، طبیعتاً با کشورهایی که سیاست‌های ضد نظام سلطه داشتند، روابط بهتری برقرار شد. بر این اساس، آمریکای لاتین هدف قدرت نرم ایران در زمینه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی قرار گرفت. بحث اصلی مقاله حاضر این است که آمریکای لاتین، از یک سو به لحاظ موقعیت ژئوپلیتیک، ژئواکونومیک و ژئوکالچر و همچنین دارا بودن ذخایر و منابع طبیعی متنوع و عظیم، می‌تواند مقصد مهم صادرات برای ایران باشد و از سوی دیگر، بخش‌هایی از این منطقه با داشتن روحیه ضدامپریالیستی، می‌تواند در رسیدن ایران به اهدافش در سطح نظام بین‌الملل، از نقش قابل توجهی برخوردار باشد. بنا بر این ضرورت و اهمیت، پرسش اصلی مقاله، تبیین این مساله است که قدرت نرم جمهوری اسلامی ایران در منطقه آمریکای لاتین در چه حوزه‌های دیگری دارای قابلیت و کاربرد است و چه دستاوردهایی برای کشور ایران می‌تواند به همراه داشته باشد؟

۱. چارچوب روشی

این مقاله از جنبه هدف و ماهیت، یک پژوهش کاربردی و روش به‌کار رفته در آن توصیفی-تحلیلی و مقایسه‌ای است که مروری بر روابط ایران و آمریکای لاتین پیش از انقلاب اسلامی دارد، فراز و فرود سیاست خارجی ایران پس از انقلاب اسلامی و تعامل دولت آقایان هاشمی، خاتمی، احمدی نژاد و روحانی را با آمریکای لاتین بررسی می‌کند و ضمن برشمردن ویژگی‌های آمریکای لاتین، روابط دولت‌های احمدی نژاد و روحانی با آمریکای لاتین را مورد واکاوی، مقایسه و تحلیل قرار می‌دهد. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی و مصاحبه با کارشناسان و صاحب نظران خبره آن منطقه گردآوری شده و پایه مفهومی و چارچوب نظری آن نیز براساس تئوری قدرت نرم «جوزف نای» مبتنی بر جذب، گسترش روابط و تعاملات فرهنگی با متحدان

تبیین و تحلیل شده است.

۲. چارچوب نظری

جوزف نای اصطلاح «قدرت نرم» را در کتاب‌ها و مقاله‌هایش تئوریزه کرده و بسط داده است (Nye, 1990, 2002, 2004, 2005, 2006, 2008, 2011). از دیدگاه نای

قدرت نرم هر کشوری بر سه منبع تکیه دارد:

۱. فرهنگ آن کشور؛

۲. ارزش‌های سیاسی؛

۳. سیاست خارجی؛ (Nye, 2004, p. 11)

نای در آثار متأخرتر خود از موضع اولیه فاصله می‌گیرد و می‌نویسد: «فرهنگ، ارزش‌ها و سیاست‌ها تنها منابعی نیستند که تولید قدرت نرم می‌کنند، بلکه منابع اقتصادی نیز می‌توانند هم قدرت سخت و هم قدرت نرم تولید کنند. در وضعیت متفاوت جهان کنونی، تمایز اینکه کدام بخش از یک رابطه اقتصادی از قدرت سخت و کدام بخش از قدرت نرم تشکیل شده، دشوار است (Nye, 2011, p. 85). نای در اشاره به ملموس بودن منابع قدرت، فقط دو اصطلاح «منابع قدرت سخت» و «منابع قدرت نرم» را به کار می‌برد و می‌نویسد: «به‌طور کلی، انواع منابع قدرت سخت شامل امور ملموسی چون زور و پول و انواع منابع قدرت نرم اغلب شامل عوامل غیر ملموسی همچون نهادها، عقاید، ارزش‌ها، فرهنگ و مشروعیت ظاهری سیاست‌هاست» (Nye, 2011, p. 21).

از دید نای اهمیت قدرت نرم در آن است که جذب، بسیار ارزان‌تر و کاراتر از اجبار است (Nye, 2004, p. 62). در واقع زمانی که شما دیگران را وادار می‌کنید ایده‌ها و خواسته‌های شما را بپذیرند، بدون اینکه برای این کار هزینه زیادی (امتیاز و اجبار) صرف کنید، در آن صورت شما از قدرت نرم استفاده کرده‌اید. بنابر نظر نای، قدرت سخت می‌تواند بر پاداش (هویج) و یا تهدید (چماق) متکی باشد؛ اما گاهی

اوقات شما می‌توانید بدون استفاده از تهدید یا پاداشی محسوس، به نتایج مورد نظرتان دست یابید. قدرت نرم چیزی بیش از قانع کردن صرف یا توانایی حرکت دادن مردم از طریق استدلال است. در این فرایند جذب، اغلب باعث مشارکت توأم با رضایت می‌شود (Nye, 2004, p. 64).

بنابراین، قدرت نرم، محصول و برآیند تصویرسازی مثبت، ارائه چهره موجه از خود، کسب اعتبار در افکار عمومی داخلی و جهانی و قدرت تأثیرگذاری غیر مستقیم توأم با رضایت بر دیگران است. زمانی که سیاست‌های یک بازیگر در چشم دیگران مشروع باشد، قدرت نرم آن بازیگر فزونی یافته است. در سطح نظام بین‌الملل، موفقیت قدرت نرم به شدت بر خوش‌نامی و اعتبار بازیگران در جامعه بین‌المللی و جریان اطلاعات میان بازیگران استوار است.

قدرت نرم، متکی بر ارزش‌های مشترک است و نتایج به‌کارگیری آن، تولید رضایت‌مندی، اعتقاد، اعتبار و تمکین به‌دست می‌آید. فرایند این نتایج را می‌توان چرخه تولید و بازتولید قدرت نرم نامید (یوسفی، ۱۳۹۷).



شکل (۱): فرایند قدرت نرم

منبع: (یافته‌های تحقیق)

بر همین اساس نگارنده قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین را که مبتنی بر ارزش‌های مشترک، جذب و همکاری توأم با رضایت است، در سه محور سیاست، اقتصاد و فرهنگ بررسی می‌کند. هر چند برخی معتقد هستند قدرت نرم وجهه‌ای فرهنگی دارد؛ اما توانمندی در سیاست داخلی و خارجی و جذابیت‌های اقتصادی نیز مولفه‌های مهمی هستند که نمی‌توان قدرت نرم را به مولفه‌های فرهنگی محدود کرد. رایه الگوی روابط جذاب در عرصه اقتصاد (برد=برد) و سیاست خارجی (غیرسلطه‌آمیز)، دیپلماسی عمومی موفق، جذابیت‌های ایدئولوژیک، شخصیت‌های محبوب بین‌المللی و مانند آن در توسعه قدرت نرم، اهمیت به‌سزایی دارند.

۳. پیشینه ادبیات پژوهش

در این بخش به شش مورد از مهم‌ترین کتب و مقالاتی که پیش‌تر در این زمینه نگارش شده است، اشاره می‌شود:

آدینه‌وند (۱۳۹۴) در کتاب «روابط ایران و آمریکای لاتین» به مطالعه موردی ونزوئلا پرداخته و در این کتاب بیان می‌دارد که روابط ایران و آمریکای لاتین از آغاز، روابطی محدود به مبادلات اقتصادی و نسبتاً محدود بوده است. وی در نتیجه‌گیری، روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین را قائم به اشخاصی نظیر چاوز و احمدی‌نژاد می‌داند. از نظر وی پس از فوت چاوز و اتمام دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد، این روابط به سردی گرایید و دیگر جاذبه‌ای ندارد.

عسگری (۱۳۹۰) در مقاله «اسلام در آمریکای لاتین: چالش‌ها و فرصت‌های پیش‌رو» صرفاً به بررسی اسلام، مسلمانان و چالش‌ها و فرصت‌های آنان در آمریکای لاتین می‌پردازد.

«براندون» (۲۰۱۵) در مقاله «جای پای ایران در آمریکا لاتین: بازتاب قابل توجه در آمریکا» ضمن بررسی تغییرات سیاست خارجی و قدرت نرم ایران و اقداماتش در آمریکای لاتین، به دنبال ارائه راهکارهایی برای کاهش نفوذ ایران در منطقه آمریکا لاتین

است.

«برمن» (۲۰۱۲) در مقاله «نفوذ و فعالیت ایران در آمریکای لاتین» ضمن تشریح سیاست و نفوذ ایران، معتقد است این کشور از گسترش فعالیت‌های خود در آمریکای لاتین، چهار هدف استراتژیک دارد؛ ۱. دیپلماسی و ائتلاف سازی فرهنگی؛ ۲. دسترسی به منابع استراتژیک؛ ۳. حضور نامتقارن؛ ۴. قابلیت عملیاتی نهفته. وی معتقد است ایالات متحده از این سیاست احساس خطر می‌کند و شناخت سیاست‌های ایران در منطقه را ضروری می‌داند.

«داگلاس» (۲۰۰۹) در مقاله «بررسی اجمالی حضور ایران در آمریکای لاتین» به گسترش فرایند دیپلماسی، تجارت و مراودات نظامی ایران در آمریکای لاتین که زمینه نگرانی آمریکا را فراهم کرده است، می‌پردازد.

«داری بلومپ» (۲۰۱۱) نیز در مقاله «ایران و آمریکای لاتین» معتقد است استراتژی و سیاست خارجی ایران رشد کرده و توسعه جغرافیای سیاسی ایران موجب نگرانی است. در این مقاله، ضمن اینکه بر نبود راهبرد مشخص و مدون در سیاست خارجی ایران در قبال آمریکای لاتین با وجود اهمیت سیاسی، اقتصادی و فرهنگی - به‌ویژه در دولت آقایان خاتمی، احمدی نژاد و روحانی - تأکید شده است، به تفاوت کار حاضر با بقیه کارها می‌پردازد. اکثر نویسندگان غربی با نگاه صرفاً مادی و رئالیسم به توسعه روابط ایران با آمریکای لاتین می‌نگرند؛ اما مقاله حاضر ثابت می‌کند که چنین نیست. در منابع داخلی منبعی با تأکید بر قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین مشاهده نشده است.

۴. فراز و فرود روابط ایران و آمریکای لاتین پیش و پس از انقلاب اسلامی

اولین تماس دیپلماتیک ایران با کشورهای آمریکای لاتین به اوایل قرن بیستم و عزیمت سفیر وقت ایران در واشنگتن (اسحاق خان مفخم‌الدوله) به چند کشور منطقه از جمله مکزیک، برزیل، آرژانتین، اروگوئه و شیلی برمی‌گردد که اتفاقاً منجر به امضای یک دسته معاهدات مودت و بازرگانی با این کشورها شد (آدینه‌وند، ۱۳۹۴، ص. ۵۲). ایران نماینده

دیپلماتیک خود را با مکزیک در سال ۱۸۸۹ مبادله کرد؛ اما ملی شدن صنعت نفت مکزیک در ۱۹۳۲، توجه ایران را به خود جلب کرد؛ زیرا به سلطه بریتانیا در مورد بخش نفت فکر می‌کرد (Zeraoui, 2011, p. 179). آرژانتین و برزیل نیز به ترتیب در ۱۹۰۲ و ۱۹۰۳ روابط خود را با ایران آغاز کردند. البته سال‌های پیش از انقلاب اسلامی رابطه با ونزوئلا به دلیل همکاری‌های نفتی در چارچوب اوپک (که هر دو کشور از جمله بنیانگذاران آن بودند)، کمی متمایزتر از دیگر کشورها بود (هوشنگ مهدوی، ۱۳۸۵، ص. ۳۱۴). در این دوره ایران به آمریکای لاتین عمدتاً مواد خام صادر می‌کرد. همچنین ایران روابط دیپلماتیک خود را با کوبا سال ۱۹۷۵ برقرار کرد و احتمالاً امیدوار بود که فعالیت‌های داخلی چپ را از طریق همکاری با کاسترو تضعیف کند اما سال ۱۹۷۶ - زمانی که کاسترو با اعضای حزب توده در مسکو دیدار کرد - شاه به روابط خود با کوبا خاتمه داد (Bruce, 1976, p. 86). به‌طور کلی روابط دیپلماتیک میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین تا پیروزی انقلاب اسلامی (سال ۱۹۷۹) در سطح بسیار محدودی قرار داشت و مهم‌ترین علت آن هژمونی ایالات متحده بر این منطقه در راستای دکترین مونروئه بود (نقیب‌زاده، ۱۳۸۵، ص. ۱۲۱).

با پیروزی انقلاب اسلامی و چرخش کلی سیاست‌های ایران، توسعه روابط با تمامی مناطق و کشورهای جهان در دستور کار قرار گرفت؛ به‌طوری که می‌توان آن را نشان‌دهنده یک رویکرد عمل‌گرایانه در سیاست خارجی ایران به حساب آورد (Lotfian, 2010)؛ زیرا گفتمان انقلاب اسلامی تلاش برای تحقق عدالت، مبارزه با استکبار جهانی و بازگشت به معنویت را مطرح کرد (ادیب‌زاده، ۱۳۸۷، ص. ۱۴۳). در همین ارتباط یکی از رویکردهای مهم در سیاست خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی توجه به گسترش روابط با کشورهای بود که در اصطلاح، «جهان سوم» نامیده می‌شوند. به‌طور کلی اولویت یافتن توجه به جهان سوم در حوزه سیاست‌گذاری خارجی جمهوری اسلامی ایران تحت تأثیر سه عامل در هم تنیده «ماهیت انقلابی نظام

جمهوری اسلامی»، «ایدئولوژی اسلامی با تأکید بر توجه به مستضعفان» و «اصول مورد تأکید در قانون اساسی» است (دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۸۸، ص. ۹۰).

افق بلندمدت انقلاب اسلامی و نیازهای اقتصادی در طول جنگ با عراق موجب شد تا اقتصاد، در اولویت برقراری روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین (برزیل و آرژانتین) قرار گیرد. البته روابط صمیمی سیاسی با کوبا و نیکاراگوئه مورد تأکید دولت‌های موسوی و هاشمی رفسنجانی بود ولی با روی کار آمدن خاتمی تحرک سیاسی و گسترش روابط در این حوزه نیز میسر شد (Sullivan, 2012, p. 9). در اشاره به روابط روسای جمهوری ایران و کشورهای آمریکای لاتین می‌توان از سفر خاتمی به ونزوئلا و کوبا، سفر حبیبی معاون ایشان به کلمبیا، ونزوئلا و کوبا و سفر چاوز (دو مرتبه)، کاسترو (یک مرتبه) و وزرای خارجه ونزوئلا، اروگوئه، کوبا و رئیس مجلس کلمبیا به ایران یاد کرد (ضیایی، ۱۳۸۵، صص. ۱۳-۱۴).

از سال ۱۳۸۴ با روی کار آمدن احمدی‌نژاد در ایران، در نتیجه عواملی مانند نگاه انتقادی به نظام بین‌الملل و لزوم ائتلاف با سایر قدرت‌های ناراضی، محیط نامساعد پیرامونی و اختلاف عمیق ژئوپلیتیک و ایدئولوژیک با همسایگان و در نهایت، نگرش خاص و منفی نخبگان اصول‌گرا به ترتیبات نظام بین‌الملل، سیاست نگاه به شرق از شکل کلی مستتر در سیاست خارجی ایران به رویکردی راهبردی تبدیل شد که در چارچوب آن بر گسترش روابط با کشورهای هم‌چون چین، روسیه و هند و در تعریف کلی‌تر از این سیاست، آفریقا و آمریکای لاتین تأکید می‌شد (سریع‌القلم، ۱۳۸۴، ص. ۳۱۸).

اگرچه نقطه آغاز تحول در روابط ایران و آمریکای لاتین را باید از زمان روی کار آمدن چاوز در ونزوئلا در سال ۱۹۹۹ و ریاست جمهوری خاتمی در ایران دانست اما اوج گسترش روابط را باید در سال‌های ریاست جمهوری احمدی‌نژاد جست‌وجو کرد؛ علت آن از یک سو به گسترش موج چپ در آمریکای لاتین و از سوی دیگر به روی کار آمدن

احمدی‌نژاد در ایران برمی‌گردد که با اتخاذ رویکردی آرمان‌گرایانه و مواضع بسیار سرسختانه در مقابل نظم حاکم بر نظام بین‌الملل و مخالفت با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا، موجبات نزدیکی هرچه بیشتر طرفین را فراهم کرد (Farah, 2009, p. 4). در این دوره تلاش شد تا با احیا، بازسازی و تأکید بر روحیه انقلابی در سیاست خارجی، شرایطی مهیا شود تا از طریق آن با ائتلاف با کشورهای ناراضی از وضع موجود به‌ویژه در آمریکای لاتین، نظام سیاسی-اقتصادی بین‌المللی مستقر مورد انتقاد قرار گرفته و در ادامه تعدیل شود؛ با این هدف‌سازی، روندهای روابط ایران با مجموعه کشورها از جمله آمریکای لاتین، در مسیر جدیدی قرار گرفت. از طرفی چاوز نیز که خود را در مواجهه با آمریکا تنها می‌دید، به دنبال یارگیری در خارج از منطقه بود. سرشت ضدیت انقلاب اسلامی با نظام سلطه و تقابل ایران با سیاست‌های آمریکا در سطح جهان موجب شد چاوز هم‌پیمان مورد اعتماد خود را بیابد و در نزدیک شدن به آن تلاش کند.

بنابراین چاوز با رویکرد یارگیری سیاسی و برقراری روابط تنگاتنگ اقتصادی، پذیرای حضور صنایع ایران شد تا در چارچوب یک رخداد تقریباً بی‌سابقه صادرات صنعتی، فنی و مهندسی ایران به کشوری در قاره آمریکا در حجم بالا رقم بخورد. امضای صدها سند همکاری و اجرای ده‌ها پروژه مشترک بین دو کشور - که البته همگی با سرمایه دولت ونزوئلا در این کشور انجام می‌شدند - فرصتی ناب در اختیار صنعت - گران ایران قرار داد تا ضمن ارتقای سطح توانایی خود، تجربه کار در سطح بین‌المللی را نیز کسب کنند (ارغوانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۰). این فعالیت‌ها با حضور شرکت‌های متعدد خصوصی ایرانی در بخش‌های مختلف سدسازی، تولید خودرو، سیمان، آرد، مسکن، صدور خدمات فنی، مهندسی و... ادامه یافت (ضیائی، ۱۳۸۵، ص. ۱۵). گسترش و شتاب همکاری‌های بین دو کشور نه تنها در سطوح بازرگانی، بلکه مسایلی همچون حمایت‌های شجاعانه نماینده ونزوئلا و به دنبال آن کوبا، اکوادور و بولیوی از

ایران در سازمان‌های بین‌المللی، موجب تقویت روابط کشورهای کوبا، اکوادور و بولیوی با ایران شد (ارغوانی، ۱۳۹۴، ص. ۱۱۰).

سال ۱۳۹۲ با روی کار آمدن دولت روحانی و واگذاری پرونده هسته‌ای - که تا پیش از این در اختیار دبیر شورای عالی امنیت ملی بود - به وزارت امور خارجه و تمرکز ظریف بر آن و آغاز مذاکرات طولانی و سنگین با ۱+۵، مرادوات ایران با آمریکای لاتین کاهش محسوسی یافت و عملاً از اولویت سیاست خارجی ایران خارج شد. این در حالی است که در دولت خاتمی و به‌ویژه احمدی نژاد، بیشترین مرادوات میان روسای جمهوری و مقامات سیاسی و اقتصادی ایران با ونزوئلا و دیگر کشورهای آمریکای لاتین برقرار بود. ظریف در شهریور ۱۳۹۵ - سال آخر دولت یازدهم - اولین سفر خود را طی شش روز به هفت کشور آمریکای لاتین - اکوادور، بولیوی، شیلی، نیکاراگوئه، مکزیک، کوبا و ونزوئلا - آغاز کرد. پیش از این وزرای خارجه کشورهای برزیل، اکوادور، اروگوئه، نیکاراگوئه، مکزیک، کوبا و ونزوئلا تا پایان سال ۱۳۹۵ در مجموع یازده سفر به ایران داشتند. همچنین رییس دولت یازدهم تنها در شهریور ۱۳۹۵ به منظور شرکت در کنفرانس «نم»، سفری به ونزوئلا و کوبا داشت. در حالی که مادورو رییس جمهوری ونزوئلا دیمه ۱۳۹۳ و آذر ۱۳۹۴ به منظور مذاکرات دوجانبه به تهران سفر کرده بود. همچنین به منظور شرکت در مراسم تحلیف ریاست جمهوری روحانی - مرداد ۱۳۹۲ - کوبا و نیکاراگوئه در سطح معاون رئیس‌جمهور، ونزوئلا در سطح رییس مجلس و برزیل و اکوادور در سطح وزیر خارجه حضور یافته بودند (سبحانی، ۱۳۹۷).

سایه تحریم‌ها روی ایران و کاهش مرادوات سیاسی، کاهش تبادلات تجاری را نیز به دنبال داشت. این مساله موجب نارضایتی کشورهای همسو در آمریکای لاتین شد؛ اما با توجه به امضای برجام و با وجود رفع تحریم‌های سازمان ملل، با کارشکنی‌های آمریکا در بهره‌مندی ایران از مزایای برجام، دولت دوازدهم تلاش می‌کند تا مرادوات سیاسی،

اقتصادی و فرهنگی را با کشورهای آمریکای لاتین گسترش دهد و از این منطقه به عنوان مقصد صادرات کالا و خدمات فنی-مهندسی و ارزآوری استفاده بیشتری کند (رونق، ۱۳۹۷). سفر چهار روزه ظریف در اواخر فروردین ماه ۱۳۹۷ در راس هیئت بلندپایه سیاسی-اقتصادی به برزیل و اوروگوئه و اختصاص خط اعتباری ۱/۲ میلیارد دلاری توسط برزیل برای تجار ایرانی در همین راستا ارزیابی می‌شود. نوساناتی که در سیاست خارجی ایران در دولت‌های خاتمی، احمدی نژاد و روحانی، به‌ویژه در دوره احمدی نژاد و روحانی در سطوح مختلف روابط با آمریکای لاتین مشاهده می‌شود، نشان از کاهش روابط ایران با آمریکای لاتین در دولت روحانی دارد و حاکی از نداشتن راهبرد مشخص و عدم اولویت این منطقه مهم در سیاست خارجی ایران است.

۵. اهداف و دستاوردهای کاربرد قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین

پس از انقلاب اسلامی در سیاست خارجی ایران، تشابهات بین اهداف سیاسی، ایدئولوژیک و اقتصادی با کشورهای همسوی در آمریکای لاتین از قبیل نفی نظام سلطه، مبارزه با ظلم و ستم، نفی هژمونی آمریکا و معامله منصفانه اقتصادی باعث شد تا کشورهای آمریکای لاتین به لحاظ سیاسی و دیپلماتیک، حمایت بی‌بدیلی در سازمان‌های بین‌المللی و در برابر آمریکا از ایران داشته باشند. باوجود فشارهای آمریکا، کشورهای آمریکای لاتین بارها در قالب گروه آلبا^۱ یا جنبش عدم‌تعهد^۲ بیانیه صادر کردند یا در قالب کشورهای مستقل و عضو شورای امنیت، رأی موافق در حمایت از برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز ایران داده‌اند. برای مثال، در پرونده هسته‌ای ایران در آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، ونزوئلا پیش‌قراول تنظیم و ارایه بیانیه اعضای جنبش عدم‌تعهد در این سازمان شد و اجماع علیه ایران را شکست (سبحانی، ۱۳۹۶، ص. ۲۶). این مساله برای مسئولان ایران دارای اهمیت و مایه ارج نهادن به روابط با آمریکای لاتین است.

به لحاظ اقتصادی احساس مشترک ایران و آمریکای لاتین در نیاز به اصلاح نظام اقتصاد بین‌المللی و تعدیل آن، ضرورت افزایش خودکفایی اقتصادی کشورهای جهان

سوم، احساس نیاز به افزایش همکاری‌های اقتصادی و هماهنگی در سایر حوزه‌ها میان کشورهای جنوب از مهم‌ترین وجوه مشترک در چارچوب همکاری جنوب - جنوب به‌شمار می‌رود (Hunter, 2010, p. 225). از عوامل اوج‌گیری و گسترش روابط سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و ایدئولوژیک ایران با آمریکای لاتین، پیروزی محمود احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری در سال ۱۳۸۴ بود که در ذیل چند عامل قابل تحلیل است:

- ۱- احیای شیوه تفکر نخستین سال‌های انقلاب اسلامی توسط دولت نهم؛
 - ۲- روی کار آمدن دولت‌های چپ‌گرا در برخی ممالک آمریکای لاتین که ماهیتی ضدنظام سلطه و ضد هژمونی‌گرایانه داشتند؛
 - ۳- افزایش قیمت نفت در بازارهای جهانی که منجر به احیای تمایلات جهان سوم‌گرایانه همچون کاهش وابستگی جهان در حال توسعه به نظام اقتصاد بین‌المللی به‌ویژه در آمریکای لاتین شد؛
 - ۴- نوع مناسبات تهران و آمریکای لاتین با واشنگتن؛
 - ۵- اوج چالش‌های سیاسی غرب با ایران برسر پرونده هسته‌ای که موجب تعمیق روابط ایران با آمریکای لاتین و ضرورت کسب حامی در عرصه بین‌المللی جهت تأکید بر حقوق حقه ایران شد (Lotfian, 2010, p. 34).
- به‌طور کلی قدرت نرم و دلایل اصلی رویکرد ایران به آمریکای لاتین را می‌توان در سه حوزه کلی قدرت نرم سیاسی، قدرت نرم اقتصادی و قدرت نرم فرهنگی بررسی و تحلیل کرد:

۱. قدرت نرم سیاسی ایران

ماهیت ضد امپریالیستی انقلاب اسلامی، مخالفت با سیاست‌های نظام سلطه و نیاز به یارگیری در عرصه سیاسی و بین‌المللی، خروج از انزوا و دور زدن تحریم‌های ظالمانه نظام سلطه علیه ایران و بر سر کار آمدن حکومت‌های چپ‌گرای مخالف آمریکا در این

منطقه زمینه مساعدی برای گسترش روابط بین دولت‌های چپ‌گرای کوبا، ونزوئلا، بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه و سایر دولت‌های امریکای لاتین را با ایران فراهم کرده است. چنین موقعیتی موجب شد تا ایران بر خلاف میل آمریکا، با استفاده از احساسات ضد نظام سلطه و به طور خاص روحیه ضد آمریکایی و همچنین بی‌اعتمادی که به سیاست‌های آمریکا در بین بسیاری از دولت‌ها و ملت‌های امریکای لاتین وجود داشته است، در حیات خلوت ایالات متحده حضور یابد و به گسترش نفوذ و قدرت بازیگری پردازد. طبق نظرسنجی که موسسه تحقیقاتی «پیو» در سال ۲۰۱۷ انجام داده است (نمودار شماره ۱) مخالفت با سیاست‌های آمریکا نه تنها در ونزوئلا و کوبا بلکه در دیگر کشورهای امریکای لاتین از جمله برزیل، کلمبیا، پرو، شیلی، مکزیک و آرژانتین هم مشاهده می‌شود. به‌طور کلی آرژانتینی‌ها در قرن ۲۱ تنها ۴۰ درصد به سیاست‌های آمریکا اعتماد داشته‌اند.



نمودار (۱): نظرسنجی پیو در باب بی‌اعتمادی به سیاست‌های آمریکا
منبع: (موسسه تحقیقاتی پیو)

اگرچه با روی کار آمدن اوپاما در صد نگرش منفی به سیاست‌های آمریکا در برخی کشورها از جمله شیلی و برزیل تا حدی کاهش یافت اما با پیروزی دونالد ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶، نگرش منفی بار دیگر تقویت شده است.



نمودار (۲): درصد اعتماد به سیاست‌های آمریکا در سه کشور آمریکای لاتین

منبع: (موسسه تحقیقاتی پیو)

در صد مردم شیلی و نیمی از برزیلی‌ها به سیاست‌های آمریکا اعتماد دارند. این در حالی است که دوره اوپاما ۶۸ درصد شیلیایی‌ها و ۷۳ درصد برزیلی‌ها نگرش مثبتی به سیاست‌های آمریکا داشتند.

رهبران چپ‌گرای آمریکای لاتین - اعم از چپ سنتی و چپ جدید - که حدود نیمی از کشورهای منطقه را در اداره خود دارند، هم‌پیمانی با آمریکا را به دلیل سیاست‌های سلطه‌طلبانه و مداخله‌گرانه این کشور به طور کامل هدف سیاست خارجی خود نمی‌دانند و همین ویژگی موجب شد تا سیاست دولت‌های چپ‌گرا با ایران اسلامی گره بخورد. روی کار آمدن دولت‌های چپ‌گرا در آمریکای لاتین به این مفهوم است که

جریان چپ‌گرایی همچنان در آمریکای لاتین استمرار دارد و حذف شدنی نیست. منظور از چپ در آمریکای لاتین، جنبشی سیاسی است که با فروپاشی شوروی و بی‌اعتبار شدن کمونیسم و سوسیالیسم با رهاکردن ایدئولوژی‌های مارکسیست - لنینیستی، با انتقاد از اهداف غیرانسانی مکتب سرمایه‌داری، بر این باور هستند که می‌توان در قرن ۲۱ با انسانی کردن سرمایه‌داری، آرمان‌های انسانی سوسیالیسم را احیا کرد (پورپشنگ، ۱۳۸۷، ص. ۲۸).

شرکت در انتخابات و به قدرت رساندن حکومت‌های چپ‌گرا توسط مردم آمریکای لاتین به معنای پایان شیوه مبارزه مسلحانه در این منطقه و حق‌خواهی به روش مسالمت‌آمیز است. روش مبارزه مسلحانه، این نوع مبارزه را محدود و هزینه آن را برای مردم نیز افزایش داد. به همین دلیل جنبش مبارزات مردمی مجبور شد انتخابات و دموکراسی را که آمریکا راه‌گیزی از آن ندارد، برگزیند. بدین ترتیب موجی از گرایش به چپ، سرتاسر منطقه را فراگرفت (خسروی، ۱۳۹۰، صص. ۱۴-۱۶).

در ارتباط با گسترش روابط سیاسی و همگرایی ایران و دولت‌های چپ‌گرای آمریکای لاتین می‌توان به مواضع طرفین در حمایت از یکدیگر و مخالفت با نظام سلطه با صدور بیانیه‌ها و ارسال پیام‌های مشترک اشاره کرد. در ماه مه ۲۰۰۱ خاتمی و کاسترو روسای جمهور ایران و کوبا اعلامیه‌ای در تهران منتشر کردند. پیام این اعلامیه این بود که ایران و کوبا تحریم‌های اقتصادی و تحریم علیه کشورهای مستقل را تحریم علیه حقوق بشر در نظر می‌گیرند و اقدامات برخی کشورها را که به دنبال اهداف خاص و تحمیل قدرت خود به کشورهای دیگر هستند، محکوم می‌کنند. همچنین در ژوئیه ۲۰۰۶ چاوز رئیس‌جمهور ونزوئلا در جمع دانشجویان دانشگاه تهران گفت: «ما باید بشر را نجات دهیم و به امپراتوری آمریکا پایان دهیم.» در سپتامبر ۲۰۰۶ احمدی‌نژاد پس از ورود به فرودگاه کاراکاس در اولین سفر خود به ونزوئلا گفت: «من از همه انقلابیون که با هژمونی جهانی مخالفت می‌کنند، استقبال می‌کنم» و طی پیام دیگری در

ژانویه ۲۰۰۷ در دیدار با اورتگا رئیس‌جمهور نیکاراگوئه اظهار داشت: «امپریالیست‌ها ما را دوست ندارند که به ما در پیشرفت و توسعه کمک کنند.» (Jonson, 2012, pp. 33-34).

با توجه به مواضع مشترک و پیام‌هایی که بین ایران و کشورهای آمریکای لاتین تبادل شده می‌توان گفت مبارزه با سیاست‌های امپریالیستی آمریکا که به شعار اصلی بسیاری از رهبران نوظهور آمریکای لاتین تبدیل شده، فرصتی است که هیچ کشوری به اندازه ایران نمی‌تواند از آن بهره‌مند شود. تلاش کشورهای آن منطقه برای خارج شدن از سلطه آمریکا بیشتر از هر چیز، آنها را نیازمند متحدانی ساخته است که در ضدیت با آمریکا با آنها همگام هستند. در واقع گسترش روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین در در دولت نهم و دهم در شرایطی صورت گرفت که همواره آمریکا از آن بیمناک بوده و به روش‌های گوناگون سعی کرده است تا مانع گسترش آن شود. آمریکایی‌ها معتقد هستند که گسترش روابط ایران با کشورهای آمریکای لاتین علاوه بر آنکه موجب حضور مستقیم ایران در حیات خلوت آنها می‌شود، می‌تواند بلوکی از کشورهای معارض با آمریکا و نظم آمریکایی را نیز سامان دهد (خسروی، ۱۳۹۰، ص. ۱۴).

با توجه به وجود جو ضدیت با نظام سلطه و به‌ویژه امپریالیسم در باور مردم منطقه و دولت‌های چپ‌گرا و مخالفت با سیاست‌های سلطه‌طلبانه و مداخله‌گرانه آمریکا، توانایی ایران در همراه‌سازی نسبی برخی از مردم و دولت‌های آمریکای لاتین با سیاست‌های خود و تشکیل بلوک کشورهای مخالف سیاست‌های واشنگتن، نشان از تأثیر کاربرد قدرت نرم ایران است.

۲. قدرت نرم اقتصادی ایران

آمریکای لاتین با برخورداری از وسعتی حدود ۲۰ میلیون کیلومتر مربع، جمعیتی بیش از ۵۰۰ میلیون نفر و منابع و ذخایر گران‌بهای زیرزمینی و روزمینی، یکی از مناطق مهم برای آزمون نفوذ فرامنطقه‌ای و تلاش برای تقویت قدرت نرم اقتصادی ایران و نیز

متنوع‌سازی شرکای تجاری و بازرگانی، به‌ویژه مقصد مهم صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی ایران محسوب می‌شود. اگرچه کارآیی قدرت نرم ایران به کاربست‌پذیری تمامی عناصر جذاب و موجود قدرت نرم ایران شامل فرهنگ، ارزش‌های سیاسی و الگوی اقتصادی نوین که مبتنی بر روابط منصفانه و برد-برد و به دور از سلطه و استعمار باشد، بستگی دارد؛ اما مقاومت مثال‌زدنی ایران در برابر فشارهای متعدد و مختلف اقتصادی غرب و به‌ویژه رشد و توسعه ایران با وجود تحریم‌های یک جانبه آمریکا - که اکنون نیز در زمان ریاست جمهوری دونالد ترامپ ادامه دارد - و حتی تحریم‌های سازمان ملل علیه ایران برای کشورهای آمریکای لاتین که با سیاست‌های مشابهی از سوی آمریکا مواجه هستند، به عنوان یک تجربه کاربردی، بسیار حایز اهمیت است.

ارایه الگوی تجارت مناسب اقتصادی مبتنی بر اصل انصاف و برد-برد موجب افزایش اعتماد دولت‌های آمریکای لاتین در تجارت با ایران شده، به‌گونه‌ای که سطح روابط ایران و کشورهای آمریکای لاتین از مرز تبادلات اقتصادی عبور کرده و حتی به سطوح همکاری‌های نظامی و امنیتی نیز رسیده است. حضور برخی مستشارهای ایرانی در آمریکای لاتین و به‌خصوص درخواست این کشورها برای همکاری نظامی با ایران در اموری مانند آموزش، مولفه مهمی در افزایش قدرت نرم ایران و نگرانی مضاعف آمریکا و رژیم صهیونیستی است (لطفعلی پور، ۱۳۹۰، صص. ۷۶-۹۸).

به لحاظ اقتصادی آمریکای لاتین یکی از مناطق ثروتمند جهان است که با بیش از ۲۰ میلیون کیلومتر مربع مساحت، دارای ظرفیت‌هایی مانند ۳۳٪ ذخایر آب شیرین دنیا، یک‌پنجم تنوع زیستی جهان، ۸٪ جمعیت کره زمین، ۲۳٪ جنگل‌ها و مراتع، ۱۲٪ زمین‌های قابل کشت جهان، وجود ۳۳۵ میلیارد بشکه ذخایر نفت و ۱۰۶۴ میلیارد تن انرژی‌های پایه است (صالحی، ۱۳۹۶، ص. ۳۲). آمریکای لاتین در آینده جایگاه مهم و استراتژیکی در تامین غذا، آب و انرژی جهان دارا خواهد بود. براساس گزارش رسمی

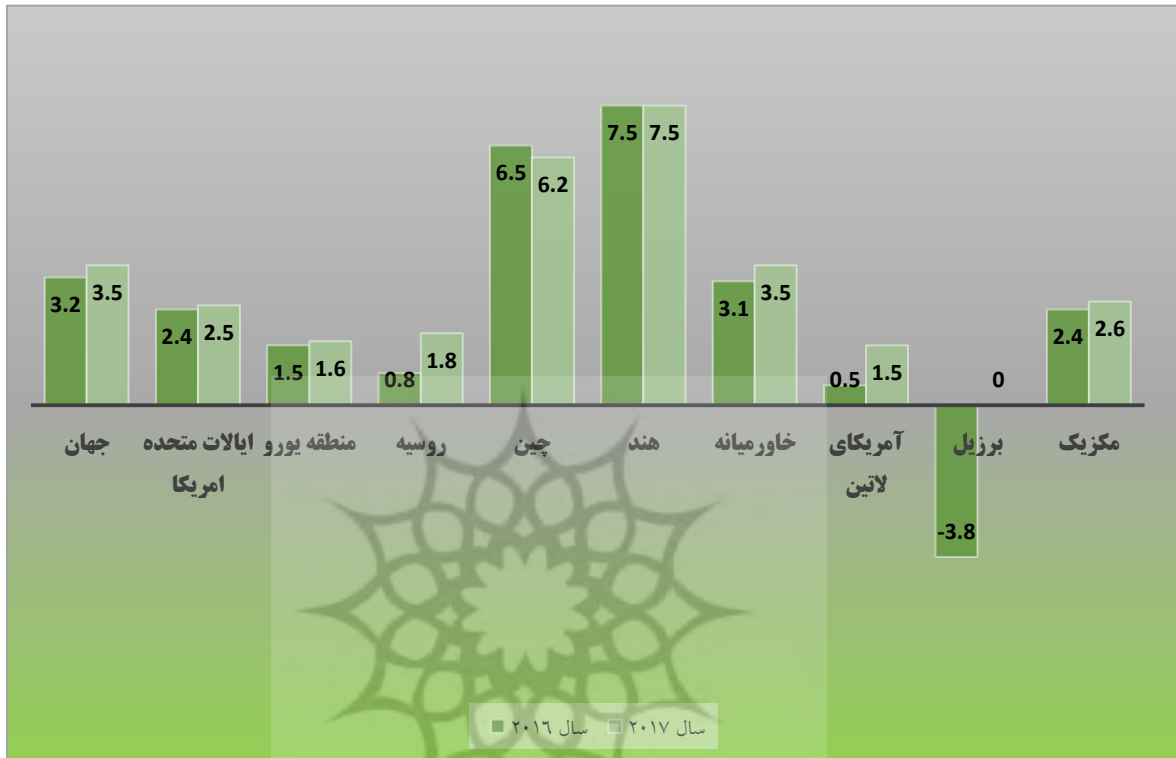
«فائو» سال ۲۰۲۵، ۴۵٪ از غذای دنیا در برزیل و آرژانتین تولید خواهد شد؛ زیرا به‌عنوان نمونه ۱۷٪ ذخایر آب شیرین جهان در برزیل قرار دارد (شاطرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۹).

صندوق بین‌المللی پول^۳ در گزارش «دورنمای اقتصاد جهانی^۴» متوسط رشد اقتصادی آمریکای لاتین را در سال ۲۰۱۶ کمتر از متوسط جهانی و حدود ۰/۵ درصد ولی در سال ۲۰۱۷ رشد آن را رو به افزایش و ۱/۵ درصد پیش‌بینی کرد. یکی از عوامل رشد اقتصادی این منطقه کاهش قیمت جهانی مواد اولیه و تاثیر این عوامل در کشورهای برزیل و ونزوئلا ذکر شده است. از نظر IMF، تولید ناخالص داخلی (GDP) برزیل در سال ۲۰۱۶ حدود ۳/۸ درصد کاهش داشت؛ اما سال ۲۰۱۷ افزایش پیدا کرد و کسری آن به صفر رسید. مشارکت ایران در ادغام‌های اقتصادی و پیگیری سیاست‌های تجاری ترجیحی و آزادسازی روابط با کشورهای آمریکای لاتین کانال بسیار مناسبی برای توسعه روابط تجاری است.

جدول (۱): پیش‌بینی اقتصاد جهان توسط صندوق بین‌المللی پول برای سال‌های ۲۰۱۶ و ۲۰۱۷

منطقه / کشور	سال ۲۰۱۶	سال ۲۰۱۷
جهان	۳.۲٪	۳.۵٪
ایالات متحده آمریکا	۲.۴٪	۲.۵٪
منطقه یورو	۱.۵٪	۱.۶٪
روسیه	۱.۸٪	۰.۸٪
چین	۶.۵٪	۶.۲٪
هند	۷.۵٪	۷.۵٪
خاورمیانه	۳.۱٪	۳.۵٪
آمریکای لاتین	۰/۵٪	۱.۵٪
برزیل	-۳.۸٪	۰.۰٪
مکزیک	۲.۴٪	۲.۶٪

منبع: (World Economic Outlook Report of the IMF)



نمودار (۳): نمودار پیش‌بینی اقتصاد جهانی توسط صندوق بین‌المللی پول برای سال‌های ۲۰۱۶-۲۰۱۷

منبع: (World Economic Outlook Report of the IMF)

کشورهای آمریکای لاتین به دلیل حاکمیت دولت‌های ناتوان و وابستگی طولانی مدت به ایالات متحده، از نظر سیاسی و اقتصادی، نتوانستند روند توسعه را دنبال و فقر را ریشه کن کنند. بنابراین، نگرش سلطه‌ستیزانه نهفته در سرشت انقلاب اسلامی که توانسته بود بدون تکیه به غرب ادامه حیات دهد، رهبران چپ‌گرایی مانند چاوز را بر آن داشت تا خود را به متحد قابل اعتمادی چون ایران متصل کنند تا علاوه بر همکاری‌های سیاسی و فرهنگی، در حوزه اقتصادی نیز وارد تعامل شوند. ثمره این روند، انعقاد قراردادهای متعددی با ایران در زمینه‌هایی مانند ساخت مسکن، خودرو،

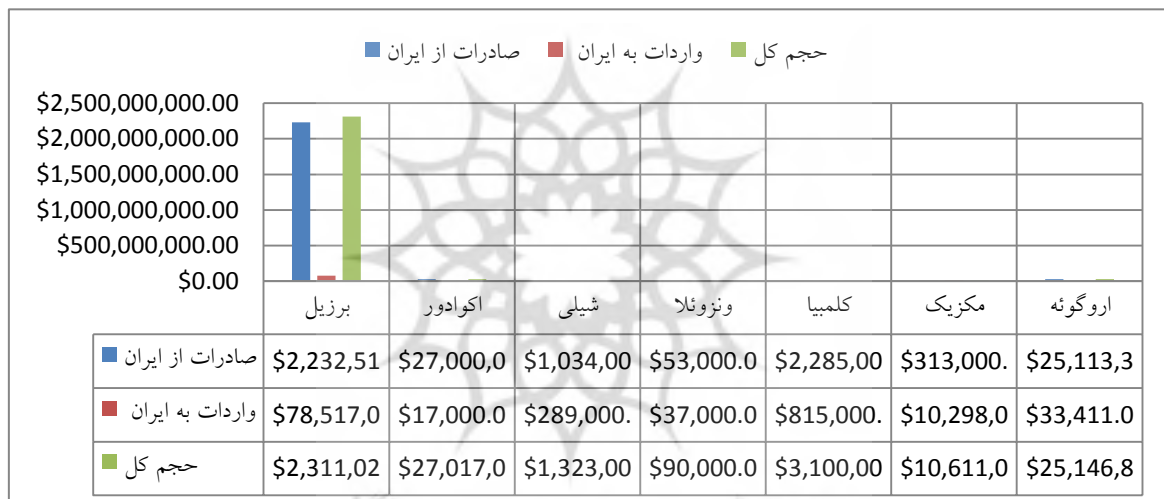
تراکتور، دوچرخه‌سازی، کارخانه آرد ذرت، کارخانه سیمان در کشور ونزوئلاست. کشورهای آمریکای لاتین خواهان نفت و گاز ایران هستند. ایران علاوه بر صادرات نفت، از توانایی بالایی برای صادرات خدمات مهندسی و فنی، تولیدات و مصنوعات فولادی و مسی، پتروشیمی و پلاستیکی به آمریکای لاتین دارد (بای، ۱۳۹۳، ص. ۲). صدور خدمات فنی و مهندسی ایران به منطقه و افزایش واردات از آن کشورها موجب توسعه روابط اقتصادی طرفین و کاهش اثر تحریم‌های آمریکا علیه ایران شد (شاطرزاده، ۱۳۹۶، ص. ۲۹) و گسترش مبادلات تجاری چشم‌گیری را طی بیش از یک دهه در پی داشت. به گونه‌ای که میزان مبادلات تجاری ایران و آمریکای لاتین از ۹۰۰ میلیون دلار در سال ۱۳۷۹ به نزدیک ۴ میلیارد دلار در سال ۱۳۹۲ رسید (اسماعیل پور، ۱۳۹۶، ص. ۳۶). بزرگ‌ترین شریک تجاری ایران در آمریکای لاتین، برزیل است. مبادلات تجاری ایران با برزیل طی سال ۲۰۱۷، حدود ۱/۸ میلیارد دلار و واردات برزیل از ایران ۳۸ میلیون و ۵۸۲ هزار و ۲۲۹ دلار و صادرات برزیل به ایران یک میلیارد و ۸۰۲ میلیون و ۷۷۴ هزار و ۸۹ دلار بود (آقامحمدزنجانی، ۱۳۹۶).

جدول (۲): میزان مبادلات تجاری ایران با کشورهای منطقه آمریکای لاتین در سال ۲۰۱۶

کشور	صادرات به ایران	واردات از ایران	حجم کل
برزیل	۲ میلیارد و ۲۳۲ میلیون و ۵۱۱ هزار و ۹۸۳	۷۸ میلیون و ۵۱۷ هزار و ۴۱ دلار	دو میلیارد و ۳۱۱ میلیون و ۲۹ هزار و ۲۴ دلار (۳۳۱۱)
اکوادور	(نه ماهه ۲۰۱۶) - ۲۷ میلیون دلار	(نه ماهه) - ۱۷ هزار دلار	۲۷ میلیون وهفده هزار
شیلی	یک میلیون و ۳۴ هزار دلار	۲۸۹ هزار دلار	یک میلیون و ۳۲۳ هزار دلار
اروگوئه	۲۵ میلیون و ۱۱۳ هزار و ۳۹۹ دلار	۳۳ هزار و ۴۱۱ دلار	۲۵ میلیون و ۱۴۶ هزار و هشتصد و ده دلار
ونزوئلا	(هشت ماهه ۲۰۱۶) - ۵۳ هزار دلار	(هشت ماهه) - ۳۷ هزار دلار	۹۰ هزار دلار

کلمبیا	۲ میلیون و ۲۸۵ هزار دلار	۸۱۵ هزار دلار	۳ میلیون و ۱۰۰ هزار دلار
مکزیک	(نه ماهه ۲۰۱۶) - ۳۱۳ هزار دلار	(نه ماهه) - ۱۰ میلیون و ۲۹۸ هزار دلار	۱۰ میلیون و ۶۱۱ هزار دلار
حجم کل	۲ میلیارد و ۲۸۸ میلیون و ۳۱۰ هزار و ۳۸۲ دلار	۹۰ میلیون و ۶ هزار و ۴۵۲ دلار	۲ میلیارد و ۳۷۸ میلیون و ۳۱۶ هزار و ۸۳۴ دلار

منبع: (یافته‌های تحقیق)



نمودار(۴): مبادلات تجاری بین جمهوری اسلامی ایران و کشورهای منطقه آمریکای لاتین در سال ۲۰۱۶
منبع: (یافته‌های تحقیق)

روابط اقتصادی ایران با آمریکای لاتین با وجود همسویی سیاسی تهران با کشورهایمانند ونزوئلا، اکوادور و بولیوی بیشتر با برزیل و آرژانتین است. رابطه اقتصادی ایران با آمریکای لاتین به‌طور متوسط به رقمی بین دو تا سه میلیارد دلار در سال می‌رسد که از این رقم تقریباً سه چهارم آن به خرید از برزیل و حدود یک چهارم آن نیز به خرید از آرژانتین مربوط می‌شود که عمدتاً به اقلام کشاورزی و دامی اختصاص دارد. حداقل

آمار و ارقام نشان می‌دهد که رابطه اقتصادی ایران با دیگر کشورهای آمریکای لاتین چندان گسترده نیست؛ اگرچه مراودات تجاری با ونزوئلا بیشتر صادرات ایران به این کشور را دربر می‌گیرد؛ اما با توجه به تصویر مثبتی که از شراکت تجاری با ایران در آمریکای لاتین به دلیل خوش حساب بودن ایران - پروژه‌های صادراتی و خدمات فنی- مهندسی کارآمد و مانند آن در ونزوئلا و دیگر کشورها ایجاد شده، پتانسیل مناسبی برای افزایش حجم روابط تجاری فراهم آورده است. کشورهای ونزوئلا، بولیوی، اکوادور و نیکاراگوئه ایران را به منزله کشوری می‌بینند که می‌تواند بدون هیچ چشم‌داشت سلطه‌گرانه، تسکین‌بخش مشکلات اقتصادی آنها باشد. این ظرفیت‌های اقتصادی قدرت نرم ایران را نشان می‌دهد.

۳. قدرت نرم فرهنگی ایران

نفوذ و قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین صرفاً به حوزه‌های سیاسی و اقتصادی محدود نمی‌شود، بلکه نفوذ معنوی ایران که الهام گرفته از آموزه‌های عدالت‌محور، برابری و برادری اسلام است، توانسته ملت‌ها و دولت‌های چپ‌گرای آمریکای لاتین را به خود جلب کند. مخالفت با نظام سلطه و وجود دشمن مشترک از دلایل عمده نزدیکی ایران و کشورهای آمریکای لاتین است. هر دو طرف، بارها مخالفت خویش را با هرگونه هژمونی‌طلبی آمریکا نشان داده‌اند. گواه این مدعا مواضع مشترک ایران و آمریکای لاتین نسبت به استراتژی آمریکا در خصوص برنامه هسته‌ای ایران است (علی حسینی، ۱۳۹۱، ص. ۵۴). در همین ارتباط در نظرسنجی نگرش جهانی پیو در سال ۲۰۰۷ پاسخ‌دهندگان در هفت کشور آمریکای لاتین بر این اعتقاد بودند که تهدید آمریکا برای کشورهایشان نسبت به ایران بیشتر است؛ ۵۴ درصد آنها آمریکا را تهدید عمده‌ای برای کشورهایشان می‌دیدند در حالی که این رقم درباره ایران ۲۵ درصد بود (Pew, 2007, pp. 47-48).

نفی هرگونه ظلم و ستم، استعمار، غارت و بها دادن به عدالت‌خواهی را می‌توان از

ویژگی‌های مشترک ایران و آمریکای لاتین به حساب آورد (رازانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷۸). تجربه مشترک تاریخی-فرهنگی ایران با کشورهای آمریکای لاتین همزمانی قیام‌های ضداستعماری ژنرال ماسائو و ماکسیموگومز در کوبا و قیام دهقانی زاپاتا (۱۹۱۹-۱۸۷۹) در مکزیک با قیام میرزا کوچک‌خان جنگلی در ایران است (توکلی، ۱۳۸۸).

حضور اقلیت قابل توجه جمعیت مسلمان، یکی از مؤلفه‌های مهم بر حضور، نفوذ معنوی و قدرت نرم فرهنگی ایران در منطقه آمریکای لاتین است. به طوری که بررسی تحولات سیاسی و حرکت‌های اجتماعی در جوامع مزبور بدون در نظر گرفتن نقش دستگاه مذهبی نمی‌تواند کامل باشد (رازانی، ۱۳۸۳، ص. ۳۷۸). شواهد زیادی وجود دارد که مسلمانان چند قرن قبل از کریستف کلمب از اسپانیا و غرب آفریقا به قاره آمریکا رسیده‌اند. حتی نخستین کاشفان اسپانیایی و پرتغالی از حضور مسلمانان در قاره آمریکا باخبر بودند (مجتهدزاده، ۱۳۹۶).^۵ براساس آمار، ۵ درصد جمعیت آمریکای لاتین عرب‌تبار هستند. جمعیت آنان حدود ۳۰-۲۵ میلیون نفر است و اکثر عرب‌تبارها در ونزوئلا و شیلی فلسطینی، در برزیل لبنانی و در آرژانتین اهل سوریه هستند و بسیاری از آنها به جایگاه‌های مهم سیاسی، اقتصادی و اجتماعی رسیده‌اند (بای، ۱۳۹۳، ص. ۵).

کارلوس منعم^۶ و میشل تمر که عرب بودند، به ریاست جمهوری آرژانتین و برزیل رسیدند و چندین وزیر کشورهای منطقه از جمله ونزوئلا عرب‌تبار هستند. حتی در برخی منابع آمده است تعداد لبنانی‌تبارهای برزیل، از جمعیت خود لبنان هم بیشتر است (میرجعفری، ۱۳۹۶). شمار مسلمانان کشورهای آمریکای لاتین به بیش از ۶ میلیون نفر می‌رسد که این رقم در آرژانتین ۶۰۰ هزار نفر و در برزیل بیش از یک میلیون و پانصد هزار نفر است (اسعد، ۱۳۹۶).

ایران پس از پیروزی انقلاب اسلامی، بنا به رسالت خود در حمایت از مسلمانان جهان و ایجاد تسهیلات بیشتر در امور مذهبی و فرائض دینی مسلمانان آمریکای لاتین اقدام به ایجاد «سازمان اسلامی آمریکای لاتین» (IOLA)^۷ که فعال‌ترین سازمان در زمینه تبلیغ و گسترش

اسلام به‌شمار می‌رود، احداث «مسجد التوحید» و ایستگاه رادیویی «ایمان» نموده و همچنین نشریات مختلفی را در بوئنوس آیروس آرژانتین راه‌اندازی کرده است. به‌طور کلی اقدامات ایران برای مردم آمریکای لاتین از جمله مسلمانان به این شرح است:

۱. حضور در دانشگاه‌ها؛ بسیاری از دانشگاه‌های این منطقه درخواست استاد زبان فارسی دارند و همچنین مخاطبان زیادی برای شنیدن و آموختن برای همکاری در این منطقه وجود دارد؛

۲. شرکت در نمایشگاه‌های بین‌المللی کتاب در کشورهای منطقه؛

۳. کمک به تأسیس کانال‌های تلویزیونی (در آمریکای لاتین مانعی برای ایجاد تلویزیون خصوصی وجود ندارد)؛

۴. انتشار مجلات (حدود هفده سال است که نشریاتی در این منطقه منتشر و پخش می‌شود) از جمله؛ نشریه خانوادگی «کوثر» به زبان اسپانیولی که هم اکنون بیش از شصت شماره از آن منتشر شده است و نشریه‌های «ثقلین» و «فرشتگان» که برای کودکان و نوجوانان منتشر می‌شود؛

۵. تأسیس یا تقویت مراکز اسلامی و حمایت از مسلمانان منطقه؛

۶. چاپ میراث فرهنگی اسلام (نشر حدود سیصد عنوان کتاب به زبان اسپانیولی)، برای مثال؛ انتشار کتاب «اسلام چیست؟»، جزوه‌هایی درباره «حضرت مریم (س)»، «حضرت مسیح (ع)» و «حقوق زن در اسلام». این سه کتاب در نمایشگاه‌ها و مراکز اسلامی با استقبال بسیاری روبرو شده است. البته در نمایشگاه‌های بین‌المللی، قرآن نخستین کتابی است که مردم به دنبال آن هستند. اخیراً این کتاب نیز برای نخستین بار به زبان اسپانیولی ترجمه و چاپ شده و با سه هزار پاورقی با رویکرد مکتب اهل‌بیت (ع) از طریق شیعیان منتشر شده است.

۷. ایجاد سایت؛ بزرگ‌ترین سایت شیعی به نام Islamorient.com در قم تأسیس شد و سایت‌های دیگری مانند خبرگزاری قرآنی ای‌کنا و سایت مقام معظم رهبری نیز

به اسپانیولی ترجمه می‌شود^۴ (کوهینی، ۱۳۹۱، صص. ۴-۵).

یک کشور برای افزایش قدرت نرم و ایجاد تصویر ملی خوب، باید ارزش‌ها و ایده‌های سیاسی نویی منطبق با دوران جدید ارایه دهد و نگرش خود را در ارتباط با صلح جهانی، توسعه و منافع بشریت مطرح نماید (Jianbo and Xiaomin, 2009, pp. 5-6). ایران نیز در این راستا در آمریکای لاتین به طور نسبی خوب عمل کرده است. برخی کشورهای آمریکای لاتین با داشتن دولت‌های چپ‌گرا و ضدآمریکایی، ایران را تکیه‌گاهی مطمئن می‌دانند؛ زیرا ایران توانسته است در مراودات خود با کشورهای آمریکای لاتین این مساله را تبیین کند که به دنبال رابطه استعماری و چپاول ثروت آنها نیست. از دستاوردهای کاربرد قدرت نرم ایران، هم‌سویی کشورهای آمریکای لاتین با ایران در ارتباط با مسایل مهم جهانی از قبیل صلح جهانی، نفی هرگونه سلطه، لزوم توسعه کشورهای توسعه نیافته و بهره‌مندی کشورها از فرصت‌های برابر و احترام متقابل است. «گسترش روابط تجاری و بازرگانی با کشورهای منطقه اعم از چپ‌گرا و راست‌گرا در چارچوب تأمین منافع ملی طرفین و رابطه بردبردار ایجاد وابستگی اقتصادی» و «تعمیم این روابط به حوزه‌های فرهنگی-اجتماعی و ... بین ملت‌ها با بهره‌گیری هوشمندانه از مولفه‌های قدرت نرم» توانسته است توسعه و گسترش حضور، نفوذ و ماندگاری جمهوری اسلامی ایران را در آمریکای لاتین رقم بزند؛ زیرا روابط صرفاً سیاسی، با جابه‌جایی دولت‌ها و طیف‌ها دچار نوسان می‌شود. بنابراین بهره‌گیری هوشمندانه و فرصت‌شناسانه از قدرت نرم، می‌تواند نفوذ و توانایی بازیگری ایران را در آمریکای لاتین افزایش دهد و عمق ببخشد.

نتیجه‌گیری

جمهوری اسلامی ایران در روابط خود با آمریکای لاتین طی حدود دو دهه گذشته با فراز و فرودهای مختلفی روبه‌رو بوده و با وجود مشکلات و موانع داخلی و خارجی، توانسته است قدرت نرم خود را در حوزه‌های سیاسی، اقتصادی و فرهنگی در آمریکای

لاتین به آزمون گذاشته و در بین ملتها و دولت‌های آمریکای لاتین، به‌خصوص دولت‌های چپ‌گرا محبوبیت خوبی کسب کند. این محبوبیت در سایه اتخاذ سیاست مخالفت با نظام سلطه به‌ویژه سلطه آمریکا بر سرنوشت کشورها و ملتها، مخالفت با غارت سرمایه‌های آنان، عدم مداخله در امور کشورها و احترام متقابل در حوزه سیاسی، مبادلات عادلانه، منصفانه، غیر استعماری و سازنده برد-برد در حوزه اقتصادی و تعامل و تبادل تجربیات انقلاب اسلامی برگرفته از آموزه‌های اسلامی با تاکید بر اصل برابری و برادری در حوزه فرهنگی و ایدئولوژیک با ملتها و دولت‌های آمریکای لاتین به‌دست آمده است. راهبرد ایران برای ایجاد شبکه‌ای از کشورهای همسو که در تضاد با سیاست‌های نظام سلطه هستند و در کنار ایران قرار می‌گیرند، با توجه به پتانسیل‌های موجود در آمریکای لاتین به خوبی پاسخ داده و حتی موجب رضایت و علاقه‌مندی دوستان ایران در آن منطقه و حمایت‌های بین‌المللی شده است.

یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد قدرت نرم ایران در آمریکای لاتین مبتنی بر نگرش‌های سیاسی دوسویه پایه‌گذاری شده است؛ اما آنچه موجب گسترش و ژرف شدن قدرت نرم ایران در آن منطقه شده، تسری آن به حوزه‌های اقتصادی و فرهنگی بوده است. در صورتی‌که ایران بخواهد قدرت نرم خود را در آمریکای لاتین گسترش دهد و عمق و استمرار بخشد، باید حوزه اقتصاد را بیش از گذشته فعال کند. همکاری‌های اقتصادی ایران و آمریکای لاتین رابطه‌ای برد-برد است و کشورهای منطقه به همکاری با ایران به‌عنوان شریکی مورد اعتماد می‌نگرند که به دنبال رابطه استعماری، سلطه و بهره‌برداری یک‌سویه نیست. همین نگرش، فرصت مغتنمی را در اختیار ایران قرار داده است تا بتواند هم به متنوع‌سازی شرکای بازرگانی مبادرت ورزد، هم از بازار بزرگ و مقصد صادرات کالا و خدمات فنی و مهندسی آمریکای لاتین سهمی داشته و به پیشینه‌سازی ثروت و قدرت ملی بپردازد و هم قدرت نرم خود را در حوزه‌های سیاسی و فرهنگی گسترش دهد و ژرفا بخشد. تردید یا کوتاهی ایران در بهره‌برداری از

چنین فرصتی، موجب پرکردن جای آن توسط رقبای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای خواهد شد.

اما برآیند تحلیلی و مقایسه‌ای این پژوهش در دوره دولت آقایان احمدی‌نژاد و روحانی نشان می‌دهد دوران طلایی مرادوات و مبادلات سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ایران با آمریکای لاتین مربوط به دولت‌های نهم و دهم دوره ریاست‌جمهوری احمدی‌نژاد بوده است. با وجود اهمیتی که آمریکای لاتین به لحاظ سیاسی، اقتصادی و فرهنگی برای ایران داشته و دارد، ایران به دلیل نداشتن یک راهبرد مشخص و مدون، هنوز نتوانسته است از مزایای کم‌نظیر آن برای گسترش و عمق بخشیدن به قدرت نرم خود در حیط خلوت آمریکا به شکل قابل قبولی بهره‌مند شود. این در حالی است که چین و روسیه توانسته‌اند بازارهای آمریکای لاتین را تسخیر کنند و به شرکای برتر تجاری آن منطقه تبدیل شوند. البته نباید فراموش کرد که با توجه به بعد مسافت، عدم تجانس زبانی و فرهنگی و ... نباید انتظاری که از رابطه با همسایگان می‌رود، از آن منطقه نیز وجود داشته باشد. نیل به اهداف بزرگ و با اهمیت، با استفاده از قدرت نرم که امروزه در جهان مورد توجه است، نیازمند بهره‌گیری از تمامی مولفه‌های موجود قدرت نرم و تلاش برای گسترش و ژرف نمودن آن، نیازمند کاربرد ماهرانه عناصر مفهومی، نهادی و سیاسی، برای ایجاد نوآوری در راهبرد و سیاست خارجی کشور در آینده است.

یادداشت‌ها

1. Alba
2. Nam
3. IMF
4. www.brazilexportmagazine.com.br: Situation and Prospect of World Economy

۵. ر.ک: مقاله «حضور اسلام در قاره آمریکا قبل از کریستف کلمب»، یوسف مروئه (صص ۷-۱۵). همچنین مقاله‌ای به همین نام از محمد عبدالجبار (صفحات ۳۰-۱۷) در کتاب «اسلام در آمریکا» (مجموعه مقالات) زیر نظر رامین خانبگی، انتشارات بین‌المللی الهدی و نیز غلامرضا گلی زواره، سرزمین اسلام: شناخت کشورهای اسلامی، ص ۵۷۱.
۶. کارلوس سائول منعم (Carlos Menem)، متولد ۱۹۳۰، سیاست‌مدار آرژانتینی است که از ۱۹۸۹ تا ۱۹۹۹ رئیس‌جمهور آرژانتین و سناتور استان لاریوخا بود.

7. Islamic Organization in Latin America

۸. فعالیت مذهبی برای کلیه ادیان و مذاهب در کشورهای آمریکای لاتین - به جز کوبا - آزاد بوده و محدودیت رسمی ندارد؛ اما بر خلاف وجود قانون آزادی مذهبی، اسلام‌هراسی و ایران‌هراسی به بهانه‌هایی چون مبارزه با تروریسم و خشونت مذهبی، تبلیغ علنی و فراگیر دین اسلام را با محدودیت‌هایی مواجه کرده است.

کتابنامه

- آدینه‌وند، احمد (۱۳۹۴). روابط ایران و آمریکای لاتین: مطالعه موردی ونزوئلا، تهران: وزارت خارجه.
- آقامحمدزنجانی، مهدی (۱۳۹۶). میزان تجارت برزیل و ایران در سال ۲۰۱۷، تهران: مصاحبه نگارنده با دیپلمات ایران در برزیل.
- ادیب‌زاده، مجید (۱۳۸۷). گفتمان و سیاست خارجی: دیالکتیک بازنمایی از غرب در جهان نمدین ایران، تهران: اختران، ۲۷.
- ارغوانی، فریبرز، اسماعیلی، مرتضی و بهزادی، ابودر (۱۳۹۴). آمریکا و چالش قدرت در آمریکای لاتین: مقایسه رویکرد ایران و چین، فصلنامه پژوهش‌های راهبردی سیاست، پاییز (۱۵)، ۶۷-۴۴.
- اسعد، سهیل (۱۳۹۶). وضعیت مسلمانان آمریکای لاتین، مصاحبه نگارنده با روحانی آرژانتینی جامعه‌المصطفی و فارغ‌التحصیل دکتری تمدن اسلامی دانشگاه بیروت، قم: دفتر

جامعه‌المصطفی.

اسماعیل پور، اکبر (۱۳۹۶). حل و فصل طلب نفتی ایران و نیکاراگوآ: تأثیر چشمگیر کانال نیکاراگوآ در تجارت جهانی انرژی، ماهنامه عصر کیمیاگری، آذر و دی (۵۶)، ۳۶.
بای، نادعلی (۱۳۹۳). مزیت های اقتصادی ایران در آمریکای لاتین، ماهنامه عصر کیمیاگری، آذر و دی (۵۶)، ۵.
بای، نادعلی (۱۳۹۳). سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین، اندیشکده راهبردی تبیین، بازیابی شده از:

<http://salamkhabar.com/fa/news/16205>.

بشیریه، حسین (۱۳۸۲). آموزش دانش سیاسی، تهران، نگاه معاصر.
پورپشنگ، زهرا (۱۳۸۵). آمریکای لاتین: نقش و جایگاه آن در آینده نظام بین‌الملل، تهران: دفتر مطالعات سیاسی و بین‌المللی.
تقی‌زاده داور، محمود (۱۳۹۰). گزارشی از آمار جمعیتی شیعیان کشورهای جهان براساس منابع اینترنتی و مکتوب، چاپ اول، قم: موسسه شیعه‌شناسی، ۴۳-۵۱.
توکلی، یعقوب (۱۳۸۸). ایران و آمریکای لاتین: همانندی‌های تاریخی، دوهفته نامه پگاه حوزه، آبان (۲۷۴)، ۲۲-۲۷.
جفره، منوچهر و درویش، نفیسه (۱۳۸۸). رقابت اروپا و آمریکا در آمریکای لاتین، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، زمستان (۸ و ۹)، ۱۱۲-۱۳۷.
جوادی‌ارجمند، محمدجعفر و طلوعی، هادی (۱۳۹۳). تأثیرتهاجم نظامی آمریکا به عراق بر قدرت هوشمند ایران در این کشور، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، زمستان (۴)، ۱۲۰-۱۴۸.
خرمشاد، محمدباقر و متقی، افشین (۱۳۹۵). نقش انقلاب اسلامی در تقویت قدرت هوشمند جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه مطالعات قدرت نرم، پاییز (۱۵)، ۹۵-۱۲۴.
خسروی، ملک تاج و سندگل، احمد (۱۳۹۰). تأثیر چپ‌گرایی نوین در آمریکای لاتین بر مناسبات سیاسی - امنیتی این کشورها با ایالات متحده آمریکا، فصلنامه مطالعات روابط بین‌الملل، پاییز (۱۵)، ۵۷-۸۳.

رازانی، احسان (۱۳۸۳). همکاری و نقش مذهب در انقلاب ایران و جنبش‌های آمریکای لاتین، ماهنامه راهبرد، آبان (۳۱)، ۲۷-۴۹.

ربانی، محسن (۱۳۹۱). ایران در آمریکای لاتین چه می‌کند، مجله زمانه، آبان (۳۵)، ۵۴-۷۵.
رونق، مهدی (۱۳۹۷). سیاست‌های دولت روحانی در خصوص آمریکای لاتین، مصاحبه نگارنده با رییس اداره دوم آمریکای لاتین، تهران: (پس از بازگشت از سفر به آمریکای لاتین به همراه وزیر خارجه، فرودین).

سبحانی، احمد (۱۳۹۶). تغییر اراده سیاسی کشور، شرط گسترش همکاری‌های اقتصادی و نفتی ایران با آمریکای لاتین، ماهنامه عصرکیمیاگری، آذر و دی (۵۶)، ۲۳.

سریع‌القم، محمود (۱۳۸۴). ایران و جهانی شدن: چالش‌ها و راه‌حل‌ها، تهران: مجمع تشخیص مصلحت نظام.

سبحانی، احمد (۱۳۹۷). کاهش مراودات ایران و آمریکای لاتین در دولت روحانی، مصاحبه نگارنده با مدیرکل اسبق آمریکای لاتین، تهران: وزارت خارجه، خرداد.

شاطرزاده، محسن (۱۳۹۶). چشم‌انداز روشن همکاری ایران و برزیل در حوزه نفت و انرژی، ماهنامه عصر کیمیاگری، آذر و دی (۵۶)، ۲۹.

شبییری، نجمه (۱۳۸۲). نقد و نظر: تشابهات فرهنگی ایران و آمریکای لاتین، آزما، بهار (۲۶)، ۴۴-۴۹.

صالحی، مجید (۱۳۹۶). گفتمان جدید در روابط دوجانبه ایران و آمریکای لاتین، ماهنامه عصر کیمیاگری، آذر و دی (۵۶)، ۳۲.

ضیایی، محمدعلی (۱۳۸۵). تاریخ روابط دیپلماتیک ایران و کشورهای آمریکای لاتین، همشهری آنلاین، ۱۵ دی، ۴.

علی‌حسینی، علی و ابراهیمی، شهروز (۱۳۹۱). نقاط اشتراک ایران و آمریکای لاتین در تقابل با سیاست‌های آمریکا: بررسی موردی برنامه هسته‌ای ایران، فصلنامه تحقیقات سیاسی و بین‌المللی، بهار (۱۳)، ۵۴-۷۷.

قربانی‌شیرین‌نشین، ارسلان (۱۳۹۰). قدرت هوشمند؛ تحول نوین در عصر جهانی شدن، فصلنامه روابط خارجی، زمستان (۴)، ۷۳-۹۱.

- کوزه‌گرکالچی، ولی (۱۳۷۸). تأملی بر سیاست خارجی ایران در آمریکای لاتین، ماهنامه گزارش (۱۹۸)، ۶۱-۷۹.
- کوهینی تفرشی، امیر (۱۳۹۰). اهمیت ژئوپلیتیک آمریکای لاتین، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، زمستان (۸)، ۱۹-۳۳.
- کوهینی تفرشی، امیر (۱۳۹۱). حیات خلوت راهبردی: اهمیت استراتژیک آمریکای لاتین، مجله زمانه، (۲۵ و ۲۶)، ۴-۵.
- گالگوس، آرتور (۱۳۸۶). ایران و ونزوئلا: همپیمانان جدید در آمریکای لاتین، ماهنامه اقتصاد ایران مهر (۳۱)، ۲۹-۳۱.
- لطف‌علی‌پور، محمدرضا و شاکری، زهرا (۱۳۹۰). بررسی همگرایی اقتصادی میان ایران و کشورهای آمریکای لاتین، فصلنامه توسعه اقتصادی، پاییز (۳)، ۹۷-۱۱۴.
- مجتهدزاده، محسن (۱۳۹۶). وضعیت مسلمانان آمریکای لاتین، مصاحبه نگارنده با دانش‌آموخته دکتری تطبیقی ادیان، معاون مرکز اسلامی اندیشه شرق، قم، اسفند.
- میرجعفری، سیدمحمدجواد (۱۳۹۶). مهاجرین عرب: فرصتی فراروی ایران، مصاحبه نگارنده با روحانی اعزامی مرکز اسلامی اندیشه شرق به آمریکای لاتین، قم، اسفند.
- نای، جوزف (۱۳۸۷). قدرت نرم؛ ابزارهای موفقیت در روابط بین‌الملل، (محسن روحانی، مترجم). تهران: امام صادق(ع).
- نای، جوزف (۱۳۸۹). قدرت نرم؛ ابزار موفقیت در سیاست جهانی، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: ساقی.
- نقیب‌زاده، احمد (۱۳۸۵). بررسی تطبیقی نگاه اروپا و آمریکا به آمریکای لاتین و پیامدها، ماهنامه اطلاعات سیاسی اقتصادی، پاییز و زمستان، (۲۲۵ و ۲۲۶)، ۷۹-۸۶.
- نوروزی، رسول (۱۳۹۰). آمریکای لاتین: هویت و تمدن، فصلنامه پژوهش‌های منطقه‌ای، زمستان (۸)، ۹۸-۱۱۷.
- هوشنگ مهدوی، عبدالرضا (۱۳۸۵). تاریخ روابط خارجی ایران، تهران: امیر کبیر، ۸۵-۸۸.

- Ahmadinejad Courts Leftist Allies in Latin America to Bolster Anti-America Stand," Fox News, January 16, 2007:
<http://www.fomews.com/story/0,2933,243710,00.html>.
- Berman, L. (2012). Irans Influence and Activity in latin America Vice President/ American Foreign Policy Council a Rising Tide Lifts Mood in the Developing World, Pew Research Center, Pew Global Attitudes Project, June 24,2007,47-48:
<http://www.pew global.orglfiles/pdf/257.pdf>.
- Brandon, J. m (2015). Irans Foot hold in Latin America: stpiking Baok at the united states Global Security Studies Volume6/Issue.
- Chavez Decorated in Iran, Initials Cooperation Pacts," El Universa~ July 31, 2006:
http://english.eluniversal.com/ 2006/07/31/en_poLart_31A756133.shtml.
- Cuban Policy in the Middle East: Cuba in the Middle East since the End ofthe Cold war; Cuba Transition Project Institute for Cuban and Cuban-American Studies, University of Miami:
<http://www.cartadecuba.orglcubamiddleeast.htm>.
- Diplomatic Relations Mexico- Iran, Embajada de Mexico en Iran, Secretaria de Relaciones Exteriores, accessed on August 2, 2011:
http://embamex.sre.gob.mx/iran/index.php?option=com_content&view=article&id=85&Itemid=59&lang=en.
- Douglas, F. (2009). Iran in Latin America: An Overview, Woodrow Wilson International Center for Scholars, Summer 2009.
- FBISSA (1998). (Foreign Broadcast Information Service), October 4:
http://www.articles.cnn.com/2010-09-23/politics/un.ahmadinejad.walkouts_1_iranian-leader-iranian-president Mahmoud- Ahmadinejad- attacks?_s=PM:POLITICS.
- Hunter, S.T. (2010). Iran's Foreign Policy in the Post –Soviet Era, California and London, Prager.
- Injustice breeds terrorism, says Iran's Khatami:' CNN.com, February 28, 2004:
<http://www.cnn.com/2004/WORLD/meast/02/28/iran.khatamireut/index.html>.
- Iran and Venezuela Bolster Ties,
- Jianbo, L. (2009). China's african Policy and its Soft Power, and its & Xiaomin, Z. in Ante Podium, Victoria University of Wellington.
- Johnson, S. (2012). Iran's Influence in the Americas, A Report of the Csis Americas Program, Center for Strategic & International Studies.
- Lotfian, S. (2002). The New Role of Latin America in Iran's Foreign Policy, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 4 , No: 7, Fall.
- Lotfian, S. (2010). The New Role of Latin America in Iran's Foreign Policy, Iranian Review of Foreign Affairs, Vol. 1, No: 3.
- Michael, B. (2005). Power in Global Governance, and its & Raymond, D. First Published, Cambridge University.

- Michael, B. (2005). Power in International politics, International Organization, and its & Raymond, D.I. Vol.59, No.1, pp.39-75.
- Middle East Economic Digest 32, No: 41 (October 14, 1988).
- Nickm, C. B. (1976). Need for Supply Sources Broadens World Outlook, Middle East Economic Digest Vol.9, No: 14.
- Nossel, S. (2004). Smart Power, Foreign Affairs, March/April.
- Nye, S. J. (2004). Soft Power, the Means of Success in World Politics, New York: Public Affairs.
- Nye, S. J. (2011). the Future of Power, Public Affairs, New York.
- Sullivan, M. P. (2012). Latin America: Terrorism Issues, Congressional Research Service, www.crs.gov.
- U.N. delegates walk out during Iranian president's speech, CNN, September 23, 2010.
- Yeselson, A. (1956). United States-Persian Diplomatic Relations, New Brunswick, NJ: Rutgers University Press.
- Zeraoui, Z. (2011). Iran, Los retos de la republica islamica and its & Ignacio, K. (Buenos Aires: Siglo XXI Editoralberoamericana).

